

ایران از ورود اسلام تا صفویان

بخش چهارم

ورود اسلام به ایران

مقدمه

ورود اعراب مسلمان به ایران و سقوط امپراتوری ساسانی، رویدادی مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ کهن سرزمین ما به شمار می‌رود. پیامد این رویداد به تغییر و تحول سیاسی محدود نبود؛ بلکه از آنجایی که اعراب حامل دین جدیدی بودند، دگرگونی‌های اساسی در ابعاد عقیدتی، فکری، فرهنگی و اجتماعی زندگی ایرانیان رخ داد. در این درس با ورود اعراب مسلمان به ایران و دو قرن حکومت آنان بر ایران و نیز چگونگی گرویدن ایرانیان به دین اسلام آشنا می‌شوید.

ورود اسلام به ایران و سقوط ساسانیان

نبوت، به سپاهیان مسلمان دستور داد در سرحدات امپراتوری‌های ساسانی و روم جهاد کنند. در دوران خلافت عمر، مسلمانان با جدیت بیشتری به فتح دیگر سرزمین‌ها ادامه دادند. در دوران این خلیفه، اعراب مسلمان در چند نبرد سرنوشت‌ساز ارتش ساسانی را شکست دادند و از مسیرهای مختلف اقدام به پیشروی در خاک ایران کردند.

تلاش مسلمانان برای گسترش اسلام در قلمرو تحت حاکمیت امپراتوری ساسانی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد. بر اثر آن تلاش‌ها، مرزبانان ساسانی و سایر ایرانیان مستقر در یمن، بحرین و عمان مسلمان شدند و یا در شمار اهل ذمه^۱ درآمدند.

در درس ۱۲ خواندید که ابوبکر، خلیفه اول پس از سرکوب مخالفان داخلی و دفع آشوب مدعیان دروغین

۱- اهل ذمه به بیرون دین‌های مسیح، یهود و زردشت گفته می‌شد که اجازه داشتند با شرایطی از جمله پرداخت جزیه در قلمرو تحت حاکمیت مسلمانان زندگی کنند.



گسترش قلمرو مسلمانان

میان آنان و فرماندهان سپاه اسلام منعقد شد. البته خیلی از شهرها و ولایات فتح شده، به خصوص ری و فارس بارها شوریدند، اما اعراب توانستند شورش‌ها را فرو نشانند و سلطه خود را تحکیم کنند.

مسلمانان به هر شهر و ولایتی که می‌رسیدند، مطابق تعالیم اسلام و سنت پیامبر ﷺ سه پیشنهاد را مطرح می‌کردند: نخست، پذیرش اسلام؛ دوم، قبول جزیه و قرار گرفتن در امان مسلمانان و سوم جنگ. حاکمان و بزرگان محلی اغلب پرداخت جزیه را برگزیدند و قراردادهای صلح

قسمت‌هایی از مفاد صلح‌نامه نهانند، ری و آذربایجان با اعراب مسلمان را مطالعه و تعهدات دو طرف را استخراج کنید.

نهانند

«... [فرمانده سپاه عرب] جان‌ها و مال‌ها و زمین‌هایشان را امان می‌دهد که کس [کسی] دینشان را تغییر ندهد و از انجام ترتیبات دینشان منع نکند، مادام که هر سال به عامل خویش جزیه دهند ... مادام که ره مانده را رهنمایی کنند، راه‌ها را اصلاح کنند و هر کس از سپاه مسلمانان را که به آنها گذر کند [یک شبانه روز] مهمان کنند... و مادام که نیک خواهی کنند. اگر خیانت کردند ... ذمه ما از آنها بری باشد».

(تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۹۶)



ری

«[یکی از بزرگان شهر] پانصد هزار درهم بداد تا تازیان کسی از ایشان را نکشند و به اسیری نبرند و آتشکده‌ای را ویران نکنند، و نیز خواستند که مقدار خراج ایشان برابر خراج اهل نهاوند باشد».

(بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۱۲۰)

آذربایجان

«مرزبان بر همه آذربایجان از حُدیفه [فرمانده سپاه عرب] طلب صلح کرد و بر آن شد که هشتصد هزار درهم پردازد به آن شرط که حذیفه کسی را نکشد یا به اسیری نگیرد و آتشکده‌ای را ویران نسازد... اهل شیز را از پایکوبی در روزهای عید و انجام مراسم دیگر باز ندارد».

(همان، ص ۱۶۳)

تعهدات اعراب مسلمان	تعهدات ایرانیان
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.

صلح‌نامه‌ها تنظیم گردید. بزرگان ایرانی همچون گذشته، اداره امور محلی را برعهده داشتند و واسطه‌ای میان مردم و حاکمان عرب بودند. تا هنگامی که قراردادهای صلح نقض نمی‌شد و مشکلی برای حاکمیت سیاسی - نظامی اعراب پیش نمی‌آمد، آنان دخالتی در اداره امور داخلی شهرها و روستاها نمی‌کردند.

علی رضی الله عنه در دوران کوتاه حکومت خود برخی تبعیض و تمایزهای موجود میان مسلمانان عرب و غیرعرب را از میان برداشت و با اهل ذمه خوش رفتاری کرد. آن حضرت همچنین بر عملکرد والیان نظارت جدی و کاملی داشت و امیران متعددی را به دلیل رفتار غیراسلامی یا سوء استفاده‌های مالی، برکنار کرد و مورد بازخواست قرار داد.

(ب) دوران خلافت امویان: در دوره حکومت امویان، ولایات مختلف ایران تحت فرمان و نظارت حاکم

حدود بیست سال پس از آغاز حمله اعراب به ایران، و در حالی که مسلمانان وارد خراسان شده بودند، یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی به دست آسیابانی در مرو کشته شد. با قتل او حکومت ساسانیان پایان یافت و عصر جدیدی در تاریخ ایران شروع شد. البته مناطق کوهستانی البرز و نواحی ساحلی دریای مازندران، هنوز به تصرف اعراب در نیامده بود.

دو قرن حکومت اعراب بر ایران

الف) عصر خلفای نخستین: پس از آنکه مسلمانان شهر و ولایتی را می‌گرفتند، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان ارشد و یا سران قبایل عرب به حکومت آن شهر یا ولایت منصوب می‌شد. در جریان ورود مسلمانان به ایران، بیشتر ایرانیان بر دین خود باقی ماندند و به عنوان اهل ذمه شناخته شدند؛ روابط آنان با مسلمانان بر مبنای

عراق اداره می‌شدند؛ البته گاهی نیز خلفای اموی در عزل و نصب حاکمان ولایات مهمی مانند خراسان و آذربایجان به طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت ولایات ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی در انحصار کامل سران قبیله‌ها و اشرافیت عرب بود. بیشتر فرمانداران و والیان سلسله اموی در ستم و بیدادگری کم‌نظیر و بی‌همتا بودند. زیاد بن ابیه و پسرش عبدالله، حجاج بن یوسف و یوسف بن عمر که در عصر خلافت بنی‌امیه، بر عراق و ایران حکومت می‌کردند، ظلم و جنایت بسیاری در حق مسلمانان و غیرمسلمانان به خصوص اهل بیت علیهم‌السلام و ایرانیان مرتکب شدند.

در دوران حکومت امویان از یکسو به سبب مهاجرت گسترده قبایل عرب به ایران و سکونت در داخل و حومه شهرها و روستاها، و از سوی دیگر به دلیل اسلام آوردن گروه‌هایی از جامعه ایرانی، شرایط مناسبی برای همزیستی و توسعه روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان ایرانیان و اعراب فراهم آمد. با این حال، امویان برخلاف تعالیم اسلام و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به سیاست قوم‌گرایی افراطی روی آوردند. بنی‌امیه و اشرافیت هم‌پیمان آنان، قوم عرب را برتر و شریف‌تر از سایر اقوام می‌شمردند. نتیجه این سیاست، تقسیم امت اسلامی به دو گروه متمایز عرب و غیرعرب بود. مسلمانان غیرعرب از جمله ایرانیان که موالی خوانده می‌شدند، شأن و مرتبه پایین‌تری نسبت به اعراب مسلمان داشتند و مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفتند.^۱

ایرانیان در برابر رفتار توهین‌آمیز و فخر فروشی قومی بنی‌امیه، واکنش نشان دادند. این واکنش ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشت. در بُعد اجتماعی و فرهنگی

گروهی از عالمان، شاعران و نویسندگان ایرانی با استناد به آیات قرآن، هر گونه برتری‌جویی قومی را مردود و ناروا دانستند، اما شماری دیگر، با مقایسه زندگی ایرانیان باستان و زندگی اعراب در عصر جاهلیت، به تاریخ و فضائل فرهنگی و تمدنی خود تفاخر کردند. اینان به شعوبیان معروف شدند.

در بُعد سیاسی نیز ایرانیان مسلمان که از ظلم و بیدادگری امویان و عمال آنان نسبت به خود و اهل بیت رسول خدا به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مخالفت با حکومت بنی‌امیه و پیوستن به قیام‌ها و جنبش‌های ضد اموی، استفاده کردند. هنگامی که مختار ثقفی در کوفه به خونخواهی حضرت امام حسین علیه‌السلام برخاست، ایرانیان با جان و دل و تا آخرین لحظه او را یاری کردند. عبدالرحمان بن اشعث - از اشراف عرب - نیز با تکیه بر پشتیبانی موالی (مسلمانان ایرانی)، بر حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم ستمگر و سفاک عراق شورش کرد. همچنین در درس ۱۳ خواندید که ایرانیان نقش مهم و اساسی در جنبش بنی‌عباس برای سرنگونی امویان داشتند.

پ) دوره خلافت عباسیان: با روی کار آمدن بنی‌عباس، تغییر محسوسی در موقعیت ایرانیان به وجود آمد. آنان فرصت یافتند با نفوذ در دستگاه خلافت، امور کشوری و لشکری مانند حکومت ولایات، فرماندهی سپاه و وزارت را در اختیار خود بگیرند. به تدریج دوگانگی و تمایز «عرب-موالی» کم‌رنگ شد. با این حال، غدر و خیانت عباسیان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، ظلم و سختگیری آنان نسبت به شیعیان و سایر مسلمانان و نیز برخی اقدامات ناروا مانند قتل ابومسلم، نارضایتی و خشم ایرانیان را برانگیخت و زمینه‌ساز بروز برخی جنبش‌های سیاسی - نظامی شد.

۱- در عصر اموی، موالی از پیشنهادی اعراب، ازدواج با زنان عرب و فرماندهی سپاه یا حکومت ولایات منع شده بودند.

خیزش‌های سیاسی - نظامی ایرانیان علیه عباسیان در سده‌های دوم و سوم هجری به لحاظ فکر، عقیده و هدف متفاوت بودند. یک دسته از جنبش‌های مخالف خلافت، تلفیقی از افکار و عقاید زردشتی، مزدکی، بودایی و حتی اسلامی داشتند. شورش‌هایی که به بهانه خونخواهی ابومسلم به وقوع پیوست مانند شورش سَنَبَاد، استادسیس و مُفَنِّع و نیز جنبش بابک خرم‌دین در آذربایجان، از آن جمله‌اند. افراد زیادی فقط برای رهایی از ظلم و ستم به این جنبش‌ها پیوستند. تمامی این حرکت‌ها سرکوب شدند و راه به جایی نبردند. گروه دیگری از جنبش‌های سیاسی - نظامی را ایرانیان معتقد و مؤمن به اسلام به راه انداختند. هدف و انگیزه اصلی این خیزش‌ها، مخالفت و مبارزه با ستمگری و سلطه سیاسی خلفا و عوامل آنان بود. فعالیت این گروه از جنبش‌ها، تأثیر اساسی بر شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری داشت.

ایرانیان چرا و چگونه مسلمان شدند؟

چگونگی و چرایی مسلمان شدن مردم ایران توجه بسیاری از مورخان و پژوهشگران را جلب کرده است. شواهد و مستندات تاریخی بیانگر روند تدریجی اسلام آوردن ایرانیان است. اگرچه بیشتر مناطق ایران در کمتر از بیست سال فتح شد، اما چندین قرن طول کشید تا مردم ایران به دین اسلام درآمدند. گزارش مورخان مسلمان نشان می‌دهد که در جریان ورود اعراب مسلمان به ایران، معدودی از ایرانیان اسلام آوردند. در دوران حکومت بنی‌امیه نیز روند پذیرش اسلام گُند بود. عملکرد غیراسلامی برخی از حاکمان اموی، موانع و محدودیت‌هایی را بر سر راه

گروندگان به اسلام ایجاد کرد؛ تحقیر مسلمانان غیرعرب، محرومیت آنان از پاره‌ای حقوق اجتماعی و گرفتن جزیه از نومسلمانان^۱، نمونه‌ای از آن رفتارهاست. البته ایرانیان هیچگاه این رفتارهای غیرانسانی و غیراسلامی را به حساب اسلام نگذاشتند. در زمان خلافت عباسیان و به خصوص در عصر حکومت‌های ایرانی، گرایش به دین اسلام در ایران شتاب گرفت و سرانجام اکثریت ایرانیان مسلمان شدند.



مسجد فهرج یزد



مسجد تاریخانه دامغان

۱- براساس شریعت اسلام، هر فردی از اهل ذمه که به دین اسلام درمی‌آمد از پرداخت جزیه معاف می‌شد اما در دوره اموی از نومسلمانان هم جزیه می‌گرفتند.

نکته بسیار جالب در خصوص مسلمان شدن ایرانیان آن است که آنان با پذیرش اسلام، تاریخ و فرهنگ خود را از یاد نبردند و بسیاری از عناصر فرهنگی و تمدنی خود را همچنان حفظ کردند. درباره این موضوع در درس ۱۹ مطالب بیشتری خواهید خواند.



حرم شاه چراغ در شیراز



حرم حضرت معصومه عليها السلام در قم

روند آرام و تدریجی اسلام آوردن مردم ایران، شور و حرارت نومسلمانان ایرانی برای تبلیغ اسلام و مشارکت جدی آنان در پایه گذاری و نشر معارف اسلامی، دلالت بر آن دارد که ایرانیان بر اساس شناخت و علاقه به اسلام روی آوردند. بنابراین، اجبار و منفعت جویی، نمی توانسته نقش تعیین کننده و مؤثری در گرایش آنها به اسلام داشته باشد. ایرانیان خواه زردشتی و خواه مسیحی و یهودی، مردمی یکتاپرست و معتقد به معاد، بهشت و جهنم و ظهور منجی بودند. از این رو، درک و پذیرش جهان بینی توحیدی و پیام مکتب اسلام برای آنان، دشوار و ناخوشایند نبود. سابقه آشنایی ایرانیان با اسلام به زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله باز می گردد. علاوه بر سلمان فارسی، صحابی برجسته پیامبر که نقش مؤثری در گسترش اسلام در ایران داشت، ایرانیان ساکن یمن نیز در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دین اسلام گرویدند.

سکونت گسترده اعراب مسلمان در ایران، تأثیر بسزایی بر آشنایی ایرانیان با دین اسلام گذاشت. سادات و شیعیانی که از ظلم بنی امیه و بنی عباس به میهن ما پناه آوردند، ارتباط خوبی با ایرانیان برقرار و آنان را جذب اسلام کردند. شمار زیادی از ساکنان مازندران و گیلان، در نتیجه سکونت و تبلیغات سادات علوی (نوادگان امام علی علیه السلام) به دین اسلام درآمدند. حضور امام رضا علیه السلام و امام زادگان در ایران نیز توجه و گرایش مردم را به اسلام جلب کرد.

سلمان فارسی صحابی ایرانی رسول خدا ﷺ

سلمان فارسی یکی از یاران و اصحاب مشهور حضرت محمد ﷺ بود. نام اصلی و ایرانی او روزبه بوده و در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده‌ای از بزرگان زردشتی به دنیا آمد. پدر در تربیت دینی فرزندش کوشا بود، ولی تعلیمات موبدان روزبه کنجکاو را اقناع نکرد؛ از این رو، خانه را ترک کرد و به عبادتگاه راهبه‌های مسیحی رفت. سپس مدت‌ها در عراق و شام در طلب گمشده خود، به سیر و سیاحت و تفکر و تأمل در ادیان مختلف پرداخت. نشانی حجاز را به او دادند. هنگام عزیمت به حجاز وی را به بردگی گرفتند و به یک یهودی در یثرب فروختند. همان‌جا بود که از بعثت آخرین رسول خدا آگاه شد. پس از هجرت حضرت محمد ﷺ به یثرب در حالی که برده بود در محضر رسول خدا به دین اسلام درآمد. رسول خدا او را خرید و آزاد کرد و نام سلمان را بر وی نهاد. در جنگ احزاب (خندق) به پیشنهاد او به دور شهر مدینه خندقی کنده شد و چون میان انصار و مهاجر در انتساب سلمان به خود مشاجره‌ای در گرفت، پیامبر رحمت فرمود: «(سلمان منا اهل البیت)؛ سلمان از ما اهل بیت است. سلمان در شمار یاران و شیعیان خاص امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. او در فتوحات مسلمانان به عنوان مبلغ اسلام حضور داشت و در جریان محاصره تیسفون (مدائن) پایتخت ساسانیان توسط اعراب، مردم شهر را به پذیرش اسلام و یا قبول جزیه دعوت کرد. وی در زمان خلافت عمر، به صلاح‌دید مولایش امام علی علیه السلام حاکم مدائن شد و سرانجام در سال ۳۴ یا ۳۶ ق در همان شهر از دنیا رفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند فتح ایران را پس از جنگ نهاوند در سه سطر توضیح دهید.
- ۲- تفاوت‌ها و شباهت‌های شیوه حکومت امویان و عباسیان بر ایران چه بود؟
- ۳- موقعیت و شرایط ایرانیان را در دوره حکومت امویان و عباسیان مقایسه کنید.
- ۴- روند اسلام آوردن ایرانیان را به طور خلاصه در سه سطر شرح دهید.
- ۵- عوامل مؤثر بر اسلام آوردن مردم ایران را بررسی و تحلیل کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره برخورد و رفتار حجاج بن یوسف حاکم اموی عراق با ایرانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره استقبال مردم شهرهای مختلف ایران از امام رضا علیه السلام به هنگام سفر به مرو، مطلبی تهیه کنید.